

## حیف دانا مردن و افسوس نادان زیستن

### روزی روزگاری در کمپ ارتش

مردی با موهای سپید که به میل خود رفتار می کرد از میان ما رفت. طنین وجودش در هر جلسه هیئت تحریریه با بحثی که آغاز گرش بود، انعکاس می یافت. همیشه حاضر بود. نیرومند، پرجاذبه و منتظم. سرهنگ روان سنج با ایده هایی در سر. از حلقه ارتشییانی بود که در دهه چهل، روان شناسی علمی و سنجش را در قلب خود پیوند زدند. در راهی که محمدباقر هوشیار گشوده بود، او یکی از راهیان پرتلاش و خستگی ناپذیر بود. چند دهه از عمر خود را وقف تألیف آثاری نمود، که از منابع با ارزش آموزشی و پژوهشی دانشگاهی شد. و چند نسل از دانشجویان، که اکنون در شمار اعضای علمی دانشگاه اند، از کلاس ها و آثارش بهره گرفتند.

\* \* \* \* \*

در این سال ها شخصیت های برجسته روان شناسی یک به یک از میان ما می روند. فقدان این چهره های شاخص علمی در جامعه ای که میان نسل های متوالی آن پیوستگی و تداوم وجود ندارد، با چه کسانی جبران خواهد شد؟  
**دکتر حیدرعلی هومن**، مردی با موهای سپید که به میل خود رفتار می کرد از میان ما رفت.  
یادش گرامی باد.

محمدتقی دلخموش

دبیر هیئت تحریریه